

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

قرآن افشاگر منافقان

۲۸ آذر ۱۳۸۶

۸ ذی الحجة ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾^(۱).

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

چکیده سخن؛

در جلسات گذشته نخستین و مهمترین آیه‌ای که نظریه پردازان عدالت همه صحابه به آن استناد می‌نمایند را بررسی نمودیم و گفتیم که در دلالت آن آیه

۱-سوره توبه، آیه ۱۰۰.

- سورة توبه آیه ۱۰۰ - بر اثبات مدّعی آنان، دو اشکال اساسی وجود دارد.

۱ - قصور در دلالت؛ دو قید سبقت و اولیت در آیه به صراحت بیان می‌کند که خداوند متعال از همه مهاجرین و انصار راضی و خشنود نیست و همه آنها سعادت‌مند نیستند. تنها سابقین و از بین آنان هم اولین از مهاجرین و انصار مشمول رضایت و عنایت الهی هستند. خلاصه اینکه آیه مورد نظر فقط عدالت و صلاحیت همین عدّه محدود را اثبات می‌کند.

۲ - اگر قائل شویم که آیه مورد بحث، عدالت همه صحابه را ثابت می‌کند: آنگاه گرفتار تضادّ آشکاری با دیگر آیات این سوره - توبه - و برخی آیات دیگر قرآن مجید خواهیم شد که رهایی از آن امکان‌پذیر نخواهد بود؛ به همین دلیل نمی‌توانیم عدالت همه صحابه را بپذیریم.

یکی از موارد تعارض که در جلسه گذشته به آن اشاره نمودیم آیه‌ای بود که از نیت شوم برخی از صحابه به ظاهر موجّه، برای ترور رسول الله ﷺ، در بازگشت از جنگ تبوک پرده بر می‌دارد. آنها می‌خواستند در میانه راه، پیامبر ﷺ را در درّه‌ای انداخته و به شهادت برسانند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيَسَّ الْمَصِيرُ * يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ أُو۟لُو۟ا۟ بِمَا لَمْ يَنۢبَأُو۟ا۟ ﴿۱﴾ .

۱- سورة توبه، آیات ۷۴-۷۳.

ای پیامبر ﷺ] با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است و چه بد سر نوشتی است! * به خدا سوگند می خورند که در غیاب پیامبر ﷺ سخنان نادرست نگفته اند در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته اند و پس از اسلام آورد نشان، کافر شده اند و تصمیم به کار خطرناکی گرفتند، که به آن نرسیدند.

سوره توبه و نامهای گوناگون؛

با نگاهی به تفاسیر شیعه و سنی به این نکته پی خواهیم برد که سوره توبه از معدود سوره هایی می باشد که نامهای متعددی برای آن ذکر شده است^(۱). در پس هر یک از این نامها نکته ای و مطلبی در رابطه با منافقین، نهفته است. لذا به نامهای این سوره و علت نامگذاری اشاره کوتاهی می نماییم.

۱- **برائت**؛ این سوره با این کلمه آغاز شده است و به معنای برائت و دوری جستن از کفار می باشد.

۲- **التوبة**؛ در این سوره کلمه توبه فراوان به کار رفته است. مرحوم طبرسی رحمته الله علیه در خصوص علت این نامگذاری می نویسد:

«سمیت بذلك لكثرة ما فيها من التوبة، كقوله ﴿وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَن يَشَاءُ﴾^(۲) ﴿فَإِن يَتُوبُوا يَكْ خَيْرًا لَّهُمْ﴾^(۳) ﴿ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ

۱- در رابطه با نامهای این سوره بنگرید به، مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱، و از تفاسیر اهل سنت بنگرید به، زاد المسیر، جلد ۳ صفحه ۲۶۵، تفسیر الکشاف، جلد ۲ صفحه ۲۴۱.

۲- سوره توبه، آیه ۱۵.

۳- سوره توبه، آیه ۷۴.

لِيَتُوبُوا ﴿(۱)﴾ (۲).

این سوره توبه نامگذاری شد؛ زیرا کلمه توبه در آن زیاد به کار رفته است. همانند قول خداوند: (و خدا توبه هر کس را که بخواهد می پذیرد) (اگر توبه کنند برای آنان بهتر است) (به آنان توفیق توبه داد تا توبه کنند).

۳- الفاضحة؛ این کلمه به معنای رسوا کننده می باشد. سعید ابن جبیر، یکی از اصحاب امام سجّاد علیه السلام که در مکتب تفسیری ابن عباس تربیت شده است، می گوید:

«قلت لابن عباس: سورة التوبة. فقال تلك الفاضحة، ما زال ينزل حتى خشينا أن لا يبقى منهم أحد إلا ذكر فيها» (۳).

به ابن عباس گفتم سوره توبه. و او [با تعجب] پاسخ داد: سوره رسوا کننده، این سوره همچنان نازل می شد و ترسیدیم که وصف همه منافقین در این سوره ذکر شود.

در این سوره خداوند متعال منافقان را به گروههای مختلفی تقسیم نموده است و با کلمه (منهم) هر گروهی را توصیف کرده است و سیئات اخلاقی و اعتقادی آنان را بیان نموده است. در رابطه با علت این نام در مجمع البیان آمده است:

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۸.

۲- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱.

۳- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱، الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۸ و زاد المسیر، جلد ۳ صفحه ۲۶۵.

« سمیت بذلك؛ لآئنها فضحت المنافقين بإظهار نفاقهم »^(۱).

به این نام خوانده شد؛ زیرا منافقان را با آشکار کردن نفاقشان رسوا نمود.

از جمله مظاهر نفاقى که قرآن آن را آشکار نمود و همگان از آن آگاه شدند واقعه عقبه تبوک می باشد. گروهی از منافقین قصد داشتند پیامبر ﷺ را به شهادت برسانند. عمّار یاسر و حذیفه ابن یمان شاهد این ماجرا بودند. این واقعه به طور مفصل در کتب تاریخی^(۲) و تفاسیر قرآن^(۳) ذکر شده است.

۴- المبعثرة؛ این کلمه به معنای کنکاش و جستجو می باشد. مرحوم طبرسی علت این نامگذاری را نیز بیان نموده اند.

« لآئنها تبعثر عن أسرار المنافقين، أي تبحث عنها »^(۴).

به [المبعثرة] نام گذارده شد؛ زیرا اسرار منافقان را کنکاش می کند؛ یعنی احوال و صفات آنان را بررسی و اظهار می نماید.

۵- الحافرة؛ « لآئنها حفرت عن قلوب المنافقين ما كانوا يسترونه »^(۵).

نام دیگر این سوره حافره است؛ زیرا به قلوب منافقان نقب زد و آن چه را که آنان پنهان می کردند، آشکار نمود.

۱- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱.

۲- البداية والنهاية، جلد ۵ صفحه ۲۴ و مغازی، جلد ۲ صفحه ۱۰۶۲.

۳- الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۲۵۹، تفسیر الکشاف، جلد ۲ صفحه ۱۶۳.

۴- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱.

۵- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱.

۶- البحوث؛ «عن أبي أيوب الأنصاري: سمّاها بذلك؛ لأنّها تتضمّن ذكر المنافقين والبحث عن سرائرهم»^(۱).

ابو ایوب انصاری می گوید: به این نام خوانده شد؛ زیرا این سوره شامل منافقین است و احوال و کردار آنان را بررسی می کند.

۷- المثيرة؛ «عن قتادة: لأنّها أثارت مخازيهم ومقابحهم»^(۲).

قتاده یکی از فقهای اهل تسنّن می گوید: این سوره به این نام خوانده شد؛ زیرا زشتکاریها و بدیهای منافقان را بر می انگیزد.

۸- المدممة؛ «عن سفیان ابن عیینة، أي المهلكة، ومنه قوله ﴿فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمْ﴾»^(۳)،^(۴).

سفیان ابن عیینة می گوید: مدممة به معنای هلاک کننده می باشد. [این سوره منافقان را رسوا و هلاک می کند].

۹- العذاب؛ «عن حذيفة إنّها سورة العذاب»^(۵).

حذیفه می گوید: این سوره عذاب منافقان است.

۱۰- المقشقة؛ «عن ابن عباس سمّاها بذلك؛ لأنّها تبرّي من آمن بها

من النفاق والشرك»؛

۱- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱.

۲- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱.

۳- سورة شمس، آیه ۱۴.

۴- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱.

۵- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱.

ابن عباس می‌گوید: این سوره به این نام خوانده شد؛ زیرا هر کس به آن ایمان داشته باشد از نفاق و شرک در امان است.

« قشقه إذا برأه و تقشش المريض من علته إذا أفاق و بري منها »^(۱).
قشقه به معنای دور شدن بیمار از مرض و برخاستن او از بستر بیماری می‌باشد.

۱۱- المشردة؛ به این معنا که منافقان از اطاعت الهی فراری هستند.

« شرد عن الله؛ أي خرج عن طاعته »^(۲).

فرار کرده از خدا؛ یعنی خارج شده از دایره اطاعت الهی.

معرفی منافقان نا شناخته؛

با توجه به نامهای متعددی که سوره توبه دارد و بدون در نظر داشتن تفسیر آیات و صرف نظر از تاریخ و سیره، این مطلب به راحتی فهمیده می‌شود که این سوره در صدد معرفی و توصیف منافقان معلوم الحالی که همه مسلمانان آنان را به نام و نسبشان می‌شناختند، نیست. لحن و آهنگ آیات این سوره ارتباط چندانی با عبدالله ابن ابی سلول - سر دسته منافقین ساکن مدینه - و پیروان او که همچون وی شناخته شده و انگشت نما بودند و به اجبار شهادتین گفته بودند، ندارد؛ زیرا مسلمانان پیش از نزول آیات قرآن مجید آنها را کاملاً می‌شناختند.

۱- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۱.

۲- تاج العروس، جلد ۲ صفحه ۳۹۰.

با تأمل و دقت در سوره توبه، بخصوص مکان نزول آن - در مدینه و پس از بازگشت از جنگ تبوک - و زمان آن که مقارن با ماههای پایانی عمر گرانقدر رسول الله ﷺ بود، در می‌یابیم که این سوره در صدد رسوا نمودن افرادی است که در پس پرده نفاق پنهان شده بودند و اهداف شوم خود را دنبال می‌کردند.

قرآن مجید در این سوره قصد رسوا کردن گروهی را دارد که سالها به انتظار فوت رسول الله ﷺ نشستند و چون به نتیجه مطلوب دست نیافتند و شرایط زمانی و مکانی را بر خود تنگ دیدند تصمیم به قتل رسول الله ﷺ گرفتند تا هر چه زودتر به مطامع و منافع مادی و شیطانی خود دست یابند. اما خداوند سبحان پرده از راز خیانت آنان برداشت و رسوایشان کرد.

دلیل دیگری که مؤید ادعای ماست این است که افشاگری و رسوا کردن هنگامی معنا دارد که در رابطه با افراد مجهول الحال صورت بگیرد. بحث و گفتگو از کسانی که نفاق آشکار دارند و پیشانی آنان ممه‌ور به مهر نفاق می‌باشد ضرورتی ندارد و نیاز نیست که وحی و قرآن برای معرفی آنان خود را به زحمت بیندازند؛ چرا که همه آنان پیش از این نزد مسلمانان شناخته شده بودند. خداوند متعال در سوره توبه قصد دارد نسبت به گروهی هشدار دهد که نزد مسلمانان بسیار محبوب هستند و دارای جایگاه ممتاز و ویژه‌ای می‌باشند. گروهی که خود را به محور قدرت؛ یعنی رسول الله ﷺ نزدیک کرده‌اند و برخی نیز با پیامبر ﷺ ارتباط خویشاوندی ایجاد کرده‌اند.

این گروه به خاطر موقعیت مناسبشان و این که مسلمانان نسبت به آنان شک و شبهه‌ای ندارند از هر فرصتی برای ایجاد اخلال در میان صفوف مسلمین استفاده می‌کردند و در نهایت تصمیم به انجام کار خطرناکی گرفتند و آن ترور رسول الله ﷺ در عقبه تبوک بود.

هر چه بیشتر سوره مبارکه توبه را مورد دقت و تأمل قرار دهیم مطلب فوق روشن‌تر و پذیرفتنی‌تر خواهد شد.

مهارت در نفاق؛

درست یک آیه پس از آیه ۱۰۰ سوره توبه، که اهل سنت از طریق آن عدالت همه صحابه را اثبات می‌نمایند خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ﴾^(۱).

و از میان اعراب بادیه نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافق اند و از اهل مدینه نیز گروهی سخت به نفاق پای بستند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم، به زودی آنها را دوبار مجازات می‌کنیم (مجازات با رسوایی در دنیا و مجازاتی به هنگام مرگ) سپس به سوی مجازات بزرگی به قیامت فرستاده می‌شوند.

واژه «مَرَدُوا» بار دیگر بر طبل رسوایی منافقان می‌کوبد. تفاسیر دو معنا

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۱.

برای این کلمه ذکر کرده‌اند؛

«لجوا فیه وأبوا غیره»^(۱).

در عقیده نخستین خود لجاجت کردند و غیر از آن را نپذیرفتند.

و در جای دیگر آمده است:

«أقاموا علیه لم یتوبوا منه»^(۲).

به نظر نخست خود پایدار ماندند و از آن باز نگشتند.

در نتیجه «مردوا» یعنی به حال گذشته خود باقی ماندن. به همین دلیل

به انسانی که هنوز دارای محاسن نیست عنوان امرد^(۳) اطلاق می‌شود؛ زیرا

صورت او همانند دوران نوجوانی بدون مو می‌باشد، اما برخی از تفاسیر واژه

«مردوا» را به گونه‌ای دیگر معنا کرده‌اند و نوشته‌اند:

«تمهروا فیه ... دلّ علی مهار تهم فیه بقوله (لا تعلمهم)»^(۴).

در آن مهارت دارند.. قول خداوند سبحان که فرمود: «تو آنان را

نمی‌شناسی» بر مهارت منافقان در نفاقشان دلالت دارد.

گروهی در مدینه و در میان صحابه رسول الله ﷺ بودند که بسیار

زیرکانه و ماهرانه عمل می‌کردند و چهره اصلی خود را به گونه‌ای پشت پرده نفاق

پنهان کرده بودند که تا سالها پس از درگذشت رسول الله ﷺ هم کسی از درون

۱- تبیان، جلد ۵ صفحه ۲۸۹ - تفسیر قرطبی، جلد ۸ صفحه ۲۴۰.

۲- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۶۶، الدر المنثور، جلد ۵ صفحه ۲۷۱.

۳- قاموس المحيط، جلد ۱ صفحه ۳۳۷.

۴- جامع الجوامع، جلد ۲ صفحه ۸۰، تفسیر الکشاف، جلد ۲ صفحه ۳۰۵.

آنان آگاه نشد. قرآن مجید در این سوره در مقام رسوا نمودن این گروه است که با توجه به دو معنای اول از واژه «مردوا» از آغاز نیز ایمان نداشتند و اسلام نیاورده بودند و تنها با توسل به دروغ و فریب برای خود جایگاه و اعتباری به هم زده بودند.

در رابطه با آیه فوق تفاسیر چنین گفته‌اند:

«﴿مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ﴾ توطئة لتقرير خفاء حالهم عنه عليه الصلاة والسلام لما لهم من الخيرة في النفاق»^(۱).

این کلمه [مردوا علی النفاق] بیان کننده پنهان بودن منافقان است از پیامبر ﷺ زیرا آنان در نفاق بسیار ماهر بودند.

این گروه از صحابه حدود بیست سال منافقانه زندگی کردند و آن قدر خوب ایفای نقش نمودند که هیچ کس از سر درون آنان آگاه نگشت. شایسته است برای این ایفای نقش هنرمندانۀ آنان، جایزه‌ای در نظر گرفته شود و به کسانی که عدالت آنان را تئوری پردازی می‌کنند داده شود!

مجازاته‌های منافقان؛

خداوند متعال پس از آن که به پیامبر ﷺ می‌فرماید: در میان اعراب اطراف مدینه و اهالی مدینه منافقانی وجود دارند، نکته‌ای را بیان می‌کند که به صراحت دلالت بر این نکته دارد که این سوره، منافقان شناخته شده را مدنظر

۱- تفسیر الکشاف، جلد ۲ صفحه ۳۰۶ (پاورقی به نقل از احمد ابن حنبل).

ندارد، خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ﴾^(۱).

تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم، به زودی آنها را دوبار مجازات می‌کنیم، سپس به سوی مجازات بزرگی در قیامت فرستاده می‌شوند.

خداوند سبحان می‌فرماید: ما به آشکار و نهان همه چیز آگاه و عالم هستیم به همین دلیل آنان را می‌شناسیم و دوبار عذاب و مجازاتشان می‌کنیم؛ مجازات اولشان رسوایی در دنیا است؛ برای مثال، فرض کنید فردی که اثر سجده بر پیشانی او نمایان است و ملتزم به انجام واجبات و مستحبات و پای بند به ترک محرمات و مکروهات است و به همه احترام می‌گذارد و احکام شرعی را آموزش می‌دهد یکباره رسوا شود و مردم از اسرار نهان و گناهان پس پرده او آگاه گردند، رسوا شدن چنین فردی یکی از سخت‌ترین و بدترین مجازاتها برای وی می‌باشد. در رابطه با مجازات نخست - رسوا شدن در دنیا - در روایتی آمده است.

«قام رسول الله ﷺ خطيباً يوم الجمعة فقال: أخرج يا فلان إنك منافق

وأخرج يا فلان فإِنَّكَ منافق فأخرج من المسجد ناسا منهم فضحهم»^(۲).

پیامبر ﷺ در روز جمعه در مسجد سخنرانی نمودند و فرمودند: ای فلانی از مسجد بیرون برو زیرا منافق هستی و ای فلانی تو هم از

۱- سورة توبه، آیه ۱۰۱.

۲- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۶۶ و از منابع اهل سنت بنگرید به: الدر المنثور، جلد ۳ صفحه

۲۷۱، تفسیر ابن کثیر، جلد ۲ صفحه ۳۹۹.

مسجد خارج شو زیرا منافقی، پیامبر ﷺ گروهی از مردم را به خاطر نفاق از مسجد بیرون نمودند و رسوا کردند.

مجازات دوّم منافقان، در قبر و عالم برزخ می‌باشد.

این مطلب مسلم است و شبهه‌ای در آن نیست که پیامبر ﷺ بسیار رحیم و مهربان و دارای احساس و روحیه‌ای بسیار لطیف بودند. در نگاه نخست شاید به نظر آید که روایت فوق با ملکات اخلاقی رسول الله ﷺ در تعارض است، اما اگر توجه کنیم که منافقان بسیار مرموزانه به موقعیتهای مناسبی دست یافته بودند، مشخص خواهد شد پیامبر ﷺ از این مسأله احساس خطر می‌کردند، به همین دلیل آنان را به نحوی رسوا کردند که در نزد همگان مفتضح و بی‌آبرو شوند.

تکرار این نکته خالی از فایده نیست که افرادی که توسط پیامبر ﷺ از مسجد اخراج شدند منافقانی بودند که مسلمانان به نفاق آنان پی نبرده بودند، و می‌توانستند در اجتماعات مسلمانان شرکت کنند، اما منافقان شناخته شده و معروف هرگز به خود چنین جرأتی نمی‌دادند که در مسجد و در میان مسلمانان بنشینند.

نشانه‌های منافقان در سوره توبه؛

خداوند سبحان در سوره توبه ضمن بیان وقایع غزوه تبوک برخی از ویژگیهای منافقین را ذکر می‌کند. خداوند متعال ابتدا مؤمنین را با ذکر یک ویژگی

معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾^(۱).

آنها که به خدا و روز جزا ایمان دارند، هیچ‌گاه برای ترک جهاد در راه خدا با اموال و جانهایشان، از تو اجازه نمی‌گیرند و خداوند پرهیزگاران را می‌شناسد.

مؤمنان به وظیفه خود آگاه هستند و بدون اندک شک و تأملی به وظیفه خود عمل می‌کنند و در راه عقیده از جان و مال خود می‌گذرند.

خداوند متعال سپس در رابطه با منافقان می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ﴾^(۲).

تنها کسانی از تو اجازه این کار را می‌گیرند که به خدا و روز جزا ایمان ندارند و دل‌هایشان با شک و تردید آمیخته است، آنها در تردید خود سرگردانند.

خداوند سبحان دسته‌ای از منافقان بهانه جو را نیز در این سوره معرفی

می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ

۱- سوره توبه، آیه ۴۴.

۲- سوره توبه، آیه ۴۵.

لَمْحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١﴾.

بعضی از آنها می گویند: به ما اجازه ده تا در جهاد شرکت نکنیم و ما را به گناه نیفکن، آگاه باشید آنها هم اکنون در گناه سقوط کرده اند و جهنم کافران را احاطه کرده است.

این آیه اشاره به بهانه جدّ ابن قیس دارد. وی از ترس اینکه مبادا در جنگ با رومیان فریب زنان زیبا روی رومی را بخورد و گناهی از او سرزند از همراهی رسول الله ﷺ در جنگ تبوک امتناع ورزید^(۲).

این افراد با سرپیچی از فرمان رسول الله ﷺ مرتکب گناهی به مراتب بزرگتر شدند.

ویژگی دیگری که این سوره برای منافقان بیان می کند این است که آنها افرادی بسیار بزدل و ترسو هستند، در این زمینه خداوند سبحان می فرماید:

﴿وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ * لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدْخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ﴾^(۳).

آنها به خدا سوگند می خورند که از شما هستند، در حالی که از شما نیستند، ولی آنها گروهی هستند که می ترسند و به خاطر ترس از فاش شدن اسرارشان دروغ می گویند * اگر پناهگاه، یا غارها یا راهی در زمین بیابند، به سوی آن حرکت می کنند و با سرعت و شتاب فرار می کنند.

۱- سوره توبه، آیه ۴۹.

۲- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۵۹.

۳- سوره توبه، آیات ۵۷-۵۶.

از ویژگیهای دیگر منافقان این است که به هنگام جنگ فرار می‌کنند ولی وقت تقسیم غنائم در صف نخست می‌ایستند و سهم خود را می‌طلبند،

﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْحَطُونَ﴾^(۱).

و در میان آنها کسانی هستند که در تقسیم غنائم به تو خرده می‌گیرند، اگر از آن غنائم سهمی به آنها داده شود، راضی می‌شوند و اگر داده نشود خشم می‌گیرند، خواه حق آنها باشد یا نه.

متهم کردن پیامبر ﷺ به ساده لوحی و آزار دادن ایشان ویژگی دیگر منافقان است. گروهی از منافقان، رسول الله ﷺ را اذیت می‌کردند و می‌گفتند: پیامبر ﷺ فردی ساده لوح و زود باور است.

﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلٍّ أذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^(۲).

از آنها کسانی هستند که پیامبر [ﷺ] را آزار می‌دهند و می‌گویند: او آدم خوش باوری است! بگو: خوش باور بودن او به نفع شماست ولی بدانید او به خدا ایمان دارد و تنها مؤمنان را تصدیق می‌کند، و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند، و آنها که رسول

۱-سوره توبه، آیه ۵۸.

۲-سوره توبه، آیه ۶۱.

خدا [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] را آزار می دهند عذاب دردناکی دارند.

صفت دیگر منافقان این است که همیشه در اضطراب و نگرانی هستند؛

زیرا می ترسند پرده از اسرارشان برداشته شود و شناخته شوند.

﴿يَخْذِرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوْا إِنَّا اللَّهُ مُخْرِجُ مَا تَخْذَرُونَ﴾^(۱).

منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای بر ضد آنان نازل گردد و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد. بگو استهزاء کنید، خداوند آن چه را از آن بیم دارید آشکار می سازد.

از ویژگیهای دیگر منافقان این است که گروهی از آنان بخیل و خسیس هستند و می‌گویند اگر خداوند به ما روزی دهد به فقرا کمک می‌کنیم اما به پیمان خود عمل نمی‌کنند. خداوند متعال در رابطه با این گروه می‌فرماید:

﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ * فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾^(۲).

بعضی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد و از صالحان و شاکران خواهیم بود * اما هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند.

۱- سوره توبه، آیه ۶۴.

۲- سوره توبه، آیات ۷۶-۷۵.

این آیه در مورد ثعلبة ابن حاطب نازل شد. وی از پیامبر ﷺ درخواست کرد که برای او دعا کنند تا خداوند به او رزق و روزی فراوان دهد و پیمان بست که در قبال افزایش روزی خود به فقرا کمک کند. دعای پیامبر ﷺ در حق او مستجاب شد، و گوسفندان او آنقدر زیاد شد که برای نگهداری آنها مجبور شد از مدینه بیرون برود. کم کم نماز جماعت و جمعه‌اش را ترک نمود. وی سپس به فرستاده پیامبر ﷺ که برای جمع آوری صدقه و زکات آمده بود بی‌اعتنایی کرد و حقوق شرعی خود را نپرداخت و صدقه دادن را همانند پرداخت جزیه دانست^(۱).

علائم کلی منافقان؛

با توجه به سوره توبه ویژگی‌ها و نشانه‌های منافقان عبارت‌اند از:

- ۱ - امتناع از حضور در عرصه‌های امتحان الهی چون حضور در جبهه و جهاد. آنان از جهاد فرار می‌کردند و حاضر نبودند در راه توحید و دفاع از حریم اسلام جانفشانی کنند^(۲).
- ۲ - ایجاد فتنه، نفاق، دروغ‌گویی و شایعه پراکنی در میان مسلمانان^(۳).
- ۳ - هنگامی که خبر شکست مسلمانان را در جنگ می‌شنیدند و همچنین

۱- مجمع البیان، جلد ۵ صفحه ۵۳، جامع الجوامع، جلد ۲ صفحه ۷۲ و الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۲۶۰.

۲- سوره توبه، آیه ۴۲.

۳- سوره توبه، آیات ۴۸-۴۷.

هنگامی که از دستورات پیامبر ﷺ سرپیچی می‌کردند بسیار خوشحال و مسرور می‌شدند^(۱).

۴ - آزار و اذیت پیامبر ﷺ و اتهام ساده لوحی و خوش باوری به ایشان^(۲).

۵ - بُخل و امساک هنگام پرداخت صدقه و یاری رساندن به فقرا^(۳).

۶ - به خدا سوگند می‌خورند که ایمان دارند تا مسلمانان را راضی و خشنود کنند^(۴).

۷ - افراد طمع کاری هستند. آنان غائبان جبهه و جهاد هستند اما هنگام تقسیم غنائم حضور می‌یابند و سهم خود را می‌طلبند^(۵).

۸ - ترس از اینکه مبدا خداوند پرده از چهره منافقانه آنان بردارد و رسوایشان نماید^(۶).

۱- سوره توبه، آیات ۵۰ و ۸۱.

۲- سوره توبه، آیه ۶۱.

۳- سوره توبه، آیات ۷۶-۷۵.

۴- سوره توبه آیه ۶۲، برخی از منافقان بسیار خوب و زیبا صحبت می‌کنند اما در عمل هیچ تعهد و ایمانی ندارند. همانند مجاهدین خلق که نام واقعی آنان منافقین است. گروهی از آنان قبل از پیروزی انقلاب به سر کرده گی شخصی به نام روحانی به نجف رفتند و در ملاقات با امام خمینی علیه السلام به گونه‌ای از نهج البلاغه سخن می‌گفتند و به آن استناد می‌کردند که گویی سالهاست که در آن کتاب شریف تعمق و تدبیر کرده‌اند. امام خمینی علیه السلام به شیطنت و فساد عقیده آنان پی برده بود و شهید مطهری علیه السلام نیز التقاطی بودن و خطر آنان را بارها گوشزد کرده بود.

۵- سوره توبه، آیه ۵۸.

۶- سوره توبه، آیه ۶۴.

لز تهدید تا جهاد با منافقان؛

بررسی عملکرد منافقین و حوادث و فجایعی که به وجود آوردند نشان می‌دهد که هر یک از موارد فوق برای از پا در آمدن نهال نورسته اسلام کافی بود، اما با امدادهای غیبی الهی و مجاهدتها و رشادتهای پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و صحابه واقعی و راستین، منافقین نتوانستند به خواسته‌های خود دست یابند.

اما از این نکته نباید غافل شد که منافقان در هر دوره‌ای برای تضعیف اسلام و رسیدن به اهداف شوم خود از روش ویژه‌ای استفاده می‌کنند. در این باره حذیفه ابن یمان می‌گوید: منافقان در زمان رسول الله ﷺ سعی بر پنهان کاری داشتند و به گونه‌ای عمل می‌کردند که شناخته نشوند، ولی امروزه خوف و واهمه‌ای ندارند، و صریحاً و بدون پرده پوشی و آشکارا فعالیت می‌کنند^(۱).

خداوند متعال در سوره احزاب با شدت تمام منافقان را تهدید می‌کند که دست از کارهای ناشایست خود بردارند.

﴿لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾^(۲).

اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در

۱- صحیح بخاری، جلد ۸ صفحه ۱۰۰.

۲- سوره احزاب، آیه ۶۰.

مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بر ندارند تو را بر ضد آنان می‌شورانیم و سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند.

اما خداوند سبحان در سوره توبه تهدید خود را عملی می‌کند و به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که با منافقان مبارزه کند و آنان را تحت فشار قرار دهد.

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيُسَسِّ الْمَصِيرُ ﴾ (۱)

ای پیامبر ﷺ [با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است و چه بد سرنوشتی.]

اما متأسفانه شرایط زمانی و عمر شریف پیامبر ﷺ کفایت نکرد که این قسمت از آیه عملی شود و زمین از لوث وجود منافقین پاک گردد.

باید به این نکته توجه داشت که جهاد همیشه با شمشیر صورت نمی‌گیرد؛ زیرا یکی از مبارزات مهم رسول الله ﷺ در روز غدیر بود که حضرت امیرالمؤمنین علی را به دستور خداوند به جانشینی و خلافت خود منصوب کردند. تهدید خداوند در سوره احزاب شامل منافقان و بیماردلان می‌باشد. همان‌طور که در جلسات گذشته بیان کردیم، منافقان پس از هجرت به مدینه به وجود آمدند و در قرآن مورد خطاب قرار گرفتند. اما بیمار دلان از همان روزهای

۱- سوره توبه، آیه ۷۳.

آغاز اسلام و در مکه به وجود آمدند و خود را در میان صفوف مسلمانان جای دادند.

نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ احزاب؛

جنگ احزاب - خندق - در سال چهارم هجری روی داد. در این جنگ همه مشرکان بر علیه اسلام متحد شدند و سپاه عظیمی را به سوی مدینه گسیل کردند. مسلمانان برای دفاع از خود مجبور شدند خندقی را حفر کنند. در یکی از روزهای نبرد «عمر و ابن عبدود» یکی از جنگاوران مشرکین از روی خندق پرید و با جسارت تمام هم‌او‌رد طلبید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه بار فرمودند: چه کسی می‌تواند با او مبارزه کند و در هر سه بار کسی جز امیرالمؤمنین علیه السلام اعلام آمادگی نکرد^(۱).

پس از راهی شدن امیرالمؤمنین علیه السلام برای نبرد با عمرو بن عبدود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق ایشان فرمودند:

«برز الایمان کلّه الی الکفر کلّه»^(۲).

تمام ایمان - امیرالمؤمنین علیه السلام - در برابر تمام کفر - عمرو بن عبدود - ایستاده است.

یادی از امام باقر علیه السلام؛

در ایام سوگواری شهادت امام باقر علیه السلام قرار داریم. تمام فقه و فقاقت

۱- البدایة والنهایة، جلد ۴ صفحه ۱۲۱ و تاریخ مدینة دمشق، جلد ۴۲ صفحه ۷۸.
 ۲- بحار الانوار، جلد ۳۹ صفحه ۱، از منابع اهل تسنن بنگرید به: شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، جلد ۱۳ صفحه ۲۶۱ و ینابیع المودة لذوی القربی، جلد ۱ صفحه ۲۸۱.

شیعه مرهون و مدیون این امام همام علیه السلام می‌باشد^(۱). و تا پیش از امامت ایشان شیعیان فقه مستقلی نداشتند و در احکام شرعی از فقه اهل سنت استفاده می‌کردند؛ زیرا ائمه اطهار علیهم السلام تا پیش از امام باقر علیه السلام شرایط مناسبی برای تبلیغ و آموزش شیعیان نداشتند. مظلومیت امیرالمؤمنین علیه السلام و شرایط حادث زندگی ایشان بر کسی پوشیده نیست شرایط دوران حضرت به ایشان اجازه نداد که به تبیین احکام اسلام بپردازند. به عنوان نمونه، در جنگ جمل سپاهیان ایشان نماز تراویح^(۲) خواندند و هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به آنان فرمودند این نماز بدعت است و آنها را از خواندن آن نهی کردند علیه ایشان جبهه گرفتند و گفتند: «وَأَسْنَةُ عُمَرَاه»^(۳).

حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام نیز دوران سخت و پر از توطئه‌ای را پشت سر گذاردند. امام مجتبی علیه السلام مجبور به صلح شدند و سید الشهداء علیه السلام به طرز جانسوزی به شهادت رسیدند. امام زین العابدین علیه السلام نیز شرایط و موقعیت مناسبی برای تبلیغ احکام شرعی به دست نیاوردند. ایشان مجبور بودند در اجتماعاتی حاضر شوند که گاهی پدر بزرگوارشان علیه السلام مورد سب و لعن قرار می‌گرفتند. امام سجّاد علیه السلام در رابطه با آن روزگار می‌فرمایند:

۱- کافی، جلد ۲ صفحه ۲۰، تفسیر عیاشی، جلد ۱ صفحه ۲۷۹.

۲- نماز تراویح از جمله بدعت‌های عمر می‌باشد و آن خواندن نمازهای مستحبی به صورت جماعت می‌باشد. صحیح بخاری، جلد ۲ صفحه ۲۵۲ و موطأ مالک، جلد ۱ صفحه ۱۱۴.

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۲ صفحه ۲۸۳ (با اندکی تفاوت).

« ما بمکة والمدینة عشرون رجلاً یحبنا »^(۱).

بیست نفر در مکه و مدینه نبودند که ما - خاندان اهل بیت علیهم السلام - را دوست داشته باشند.

امام باقر علیه السلام در دوران رخوت بنی امیه و فترت بین دو حکومت بنی امیه و بنی مروان به امامت رسیدند و از این شرایط و موقعیت به بهترین وجه ممکن استفاده نمودند و به تبیین، تبلیغ و آموزش احکام شرعی بر وفق مبنای قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پرداختند. ایشان با تلاش بی وقفه، فقه شیعه را بنیانگذاری کردند و آن را استوار نمودند و در تمام ابواب فقهی نظرات خود را بیان نمودند.

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودم. شخصی نزد من آمد و گفت می‌خواهم امام باقر علیه السلام را ببینم، گفتم: با ایشان چه کار داری او گفت:

« هیأت له أربعین مسألة أسأله عنها فما كان من حق أخذته وما كان من باطل تركته »؛

چهل مسأله آماده کرده‌ام تا از او بپرسم، می‌خواهم پاسخهای صحیح و درست او را بپذیریم و پاسخهای نادرست او را رد کنم.

به او گفتم: آیا حق را از باطل می‌توانی تشخیص دهی؟ او پاسخ داد:

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۴ صفحه ۱۰۴.

آری. ابو حمزه به او گفت: دیگر چه نیازی به او داری؟ آن شخص از پاسخ دادن به او حمزه درمانده شد و گفت:

«یا أهل الكوفة أنتم قوم ما تطاقون»؛

ای مردم کوفه! کسی را یارای گفتگو با شما راندارد.

مدتی نگذشت که امام باقر علیه السلام به همراه گروهی از اهل خراسان وارد شدند که مشغول پرسیدن احکام حجّ از حضرت بودند. پس از آنکه آن گروه از محضر امام علیه السلام مرخص شدند امام علیه السلام رو به آن فرد کردند و فرمودند: «کیستی؟» آن شخص پاسخ داد: «من قتادة بن دعامة بصری هستم». امام علیه السلام فرمودند: «تو فقیه اهل بصره هستی؟»، قتادة پاسخ مثبت داد. سپس امام علیه السلام در رابطه با امامت و جایگاه ائمه علیهم السلام سخنانی ایراد فرمودند. قتادة پس از شنیدن سخنان امام باقر علیه السلام عرض کرد:

«لقد جلست بين يدي الفقهاء وقدام ابن عباس فما اضطرب قلبي قدام

واحد منهم ما اضطرب قدامك»؛

من در نزد فقهای بزرگی چون ابن عباس نشسته‌ام و آن گونه که الان در نزد شما نشسته‌ام و نگران شده‌ام، نگران و مضطرب نشده‌ام.

امام باقر علیه السلام به وی فرمودند: آیا می‌دانی در برابر چه کسی ایستاده‌ای؟

تو در جایی هستی که خداوند متعال درباره آن رابطه می‌فرماید:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ
الزَّكَاةِ ﴿١﴾ .

این چراغ پرفروغ در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد، خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند * مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند.

سپس قتاده عرض کرد:

« صدقت، والله جعلني الله فداك والله ما هي بيوت حجارة ولا طين »^(۲).

به خدا سوگند راست می‌گویید، خداوند مرا قربانی شما کند! به خدا سوگند آن خانه‌ها از سنگ و خاک نیست.

امام باقر عليه السلام دربارهٔ وسعت دانش خود، می‌فرمایند:

« لو وجدت حملة لأخرجت الدين والتوحيد والشرائع من صمد ».

اگر کسانی را می‌یافتم که توان بر دوش کشیدن علم را داشته باشند، دین، توحید و تمام احکام را از - کلمه - صمد بیرون می‌کشیدم.

صمد بی معنای بی نیاز، یکی از نامهای خداوند سبحان می‌باشد^(۳). و

۱- سوره نور، آیات ۳۷-۳۶.

۲- کافی، جلد ۶ صفحه ۲۵۶.

۳- سوره توحید، آیه ۳.

امام علیه السلام می فرمایند من همه دین که شامل عقاید و احکام می باشد را از کلمه صمد بیرون می آورم.

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خودآزمایی؛

- ① نامهای گوناگون سوره توبه ناظر به چه چیزی می باشد؟
- ② چرا سوره توبه به الفاضحة والمبعثرة نامیده شد؟
- ③ المدممه والمقشقة به چه معنا می باشد، و چرا سوره توبه را به این دو نام نیز می خوانند؟
- ④ هدف سوره توبه معرفی و رسوا کردن کدام گروه از منافقان می باشد؟
- ⑤ افشاگری در رابطه با چه افرادی معنا و مصداق دارد؟
- ⑥ مفسران کلمه (مردوا) را به چند معنا تفسیر کرده اند؟
- ⑦ معنای اینکه خداوند سبحان می فرماید: ما منافقان را دوبار مجازات می کنیم، چیست؟
- ⑧ نشانه های کلی منافقان را بنویسید؟
- ⑨ خداوند متعال در سوره احزاب و در سوره توبه در رابطه با منافقان به پیامبر ﷺ چه دستوری می دهد؟
- ⑩ پیامبر ﷺ در جنگ احزاب در رابطه با امیرالمؤمنین علیه السلام چه فرمودند؟
- ⑪ امام باقر علیه السلام در بنیانگذاری فقه شیعه چه نقشی ایفا کردند؟

به سوی معرفت ۳۷

۴

با توجه به نامهای متعددی که سوره
توبه دارد و بدون در نظر داشتن تفسیر آیات
و صرف نظر از تاریخ و سیره، این مطلب به
راحتی فهمیده می شود که این سوره در
صدد معرفی و توصیف منافقان معلوم
الحالی که همه مسلمانان آنان را به نام و
نسبتشان می شناختند، نیست. لحن و
آهنگ آیات این سوره ارتباط چندانی با
عبدالله ابن ابی سلول - سر دست منافقین
ساکن مدینه - و پیروان او که همچون وی
شناخته شده و انگشت نما بودند و به
اجبار شهادتین گفته بودند، ندارد؛ زیرا
مسلمانان پیش از نزول آیات قرآن مجید
آنها را کاملاً می شناختند.

(صفحه ۱۹ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۳۷

۶۴